گزارش

«آرمان ملی» از گمانه‌زنی‌ها پیرامون اختلال شبکه اجتماعی جدید در اپراتورها گزارش می‌کند:

کلاب‌هاوس؛ اختلال یا فیلتر؟

ادامه از صفحه ۳ جمال هادیان اعلام می‌کند آنچه ما اطلاع داریم بحث انسداد کلاب‌هاوس در کارگروه تعیین مصادیق حتی مطرح هم نشده و تاکنون از صدور حکم قضایی هم در این باره اطلاعی نداریم و چنین حکمی نیز به وزارت ارتباطات واصل نشده است. مدیر روابط عمومی وزارت ارتباطات تاکید می‌کند: اپراتورهای مذکور در پاسخ سازمان تنظیم مقررات، دریافت حکم یا اختلال عمدی را رد می‌کنند در حالی که شواهد حاکی از وجود اختلالی جدی است. او معتقد است به هر حال، مبنا قانون است و ایجاد اختلال عمدی مطابق قانون مجازات اسلامی تا دو سال حبس را در پی دارد. اگر اثبات شود اختلال انجام شده عمدی است، مرتکبان این اقدام با مجازات قانونی مواجه خواهند بود.

کلاب‌هاوس فیلتر نیست

در پی اختلال در دسترسی بسیاری از کاربران اپلیکیشن کلاب‌هاوس، نگرانی‌ها از فیلتر شدن این اپلیکیشن مبتنی‌بر صدا در کشور افزایش یافت. در این زمینه محمدجواد آذری‌جهرمی، وزیر ارتباطات در نشست آنلاین رئیس کل بانک مرکزی با کارشناسان و فعالان اقتصادی در کلاب‌هاوس اظهار داشت: «به نظر می‌رسد ماجرای فیلتر بودن، بیشتر یک فرافکنی است؛ این در حالی است که «فیلتر کردن»، قواعد خاص خودش را دارد و نباید با مطرح کردن «فیلتر شدن کلاب‌هاوس»، اقدام به تشویش اذهان عمومی کرد. وی افزود: نه در دادستانی کل کشور و نه در دولت بحثی در خصوص فیلترینگ مطرح نیست. هم بنده و هم سایر وزرا پیگیر هستیم که در این فضا حضور داشته باشیم و دولت به دلیل محدودیت‌های رسانه‌ای که دارد، به‌جد از توسعه گفت‌وگو در فضای مجازی حمایت می‌کند.

درخواست تحریم مقامات ایرانی

۳ قانونگذار آمریکایی خواهان تحریم مقامات ایرانی در شبکه اجتماعی کلاب‌هاوس شدند. جو ویلسون، رئیس کارگروه امنیت ملی و امور خارجی در کمیته تحقیقاتی جمهوری‌خواهان به همراه جیم بنکز، رئیس کمیته تحقیقاتی جمهوری‌خواهان و اندی بار، یکی دیگر از اعضای این کمیته با صدور نامه‌ای خواستار حذف حساب کاربری مقامات ایرانی در شبکه اجتماعی کلاب‌هاوس شدند. در این نامه آمده است: چرا کلاب‌هاوس باید به محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران، که تحت‌تحریم‌های آمریکا است، اجازه داشتن حساب کاربری و گسترش تبلیغات و دروغگویی به هزاران مخاطب را بدهد؟ این قانونگذاران جمهوری‌خواه خواستار به‌روزرسانی قوانین آمریکا و جلوگیری از ارائه خدمات از سوی شبکه‌های اجتماعی این کشور به مقامات ایرانی شدند.

هشدارهای انتخاباتی آیت‌ا... سیدحسن خمینی:

بساط تنگ نظری باید برچیده شود

ادامه از صفحه ۲ را متحول کرده بسیار احترام قائل هستیم. اما این امر آیا به این معنا است که از هرچه واقع شد باید دفاع شود؟! وی یادآور شد: مشکلات ما خیلی زیاد است اما راه‌حل آنها این است که به مردم برگردیم و به خواسته آنها تن بدهیم. البته ممکن است آنچه که مردم می‌خواهند مطابق خواسته شخص من نباشد. من تلاش می‌کنم آنها را راضی کنم که این حرف درست است. هیچ راهی جز بازگشت به مردم و هیچ چیزی برای کشور واجب‌تر از یک انتخابات پر شور و شامل نیست. انتخابات «شامل» یعنی باید همه در آن نماینده داشته باشند. شرط اول آن این است که بساط تنگ نظری و حذف برداشته شود. «تقسیم بر دو کردن» نیروهای کشور باعث ترفیع چاپلوسان و متملقانی می‌شود که اتفاقا به سخنانی که می‌گویند هم باور ندارند. سید حسن خمینی تأکید کرد: بنده چه اولویتی نسبت به شما دارم که یکی را راه بدهم و یکی را راه ندهم؟! قانون هم اگر جلوی حقوق مردم را می‌گیرد، قانون غلطی است و باید به سمت اصلاح آن رفت. ضمن اینکه با قانون‌های موجود، به خصوص قانون اساسی، به راحتی می‌شود حقوق عمومی مردم را احیا کرد. وی با انتقاد شدید از ردصلاحیت شمار قابل توجهی از کاندیداهای انتخابات شورای شهر پیش رو، گفت: معنا ندارد که با نگاه تنگ نظرانه گروه‌هایی را از حق حضور در انتخابات محروم کنند. به چه حقی می‌توان پذیرفت که چند نفر با سلیقه خاص حق مردم برای حضور نماینده شان را نادیده بگیرند؟! به خصوص آنکه اساسا شوراهای شهر و روستا نهادهایی اجتماعی و غیرسیاسی هستند. وی افزود: اگر خود مردم تصمیم به مبارزه و مقابله بگیرند در صف می‌ایستند و حتی فقر را هم تحمل می‌کنند. الان هم اصلا مهم نیست چه کسی رئیس جمهور می‌شود؛ بلکه مهم این است که این مردم او را رئیس جمهور کنند. اتفاقا فقط کسی که مردم او را رئیس جمهور کنند می‌تواند به خوبی مقابل آمریکا بایستد و عزتمندانه منافع ملی را تأمین کند.

انتخابات پر شور از نان شب واجب‌تر است

یادگار امام اظهار کرد: برای رفع بیکاری، فقر و حتی مسائل اجتماعی از نان شب واجب‌تر این است که ما به سمت یک انتخابات پر شور برویم. اینکه چه کسی انتخاب می‌شود، بُعد دوم قضیه است. اما معنا ندارد که به لوازم آن تن ندهیم و بعد هم بگوییم «می‌خواهیم؛ اما امکانش نیست». «دوستی با پیلبانان یا مکن یا طلب کن خانه ای در خورد پیل». لذا من فکر می‌کنم هیچ امری واجب‌تر از بازگشت به این شعار امام نیست که «همه با هم». اول انقلاب این شعار سرتیتر آرم جهاد سازندگی قرار گرفت. به صورت «تنها» کاری پیش نمی‌رود ولی اگر دست‌هایمان در هم افتاد همه کار می‌توانیم بکنیم. وی ادامه داد: به نظر من تردید نباید کنیم و باید به گذشته خودمان افتخار کنیم و می‌کنیم. به وضع موجودمان باید معترض باشیم و هستیم، البته باید هم به آینده امیدوار باشیم و همت کنیم. سید حسن خمینی در بخش پایانی سخنان خود گفت: اگرچه حل بخش زیادی از معضلات فرهنگی منوط به حل مشکلات اقتصادی است، اما بخش دیگر مشکلات به خاطر این است که هنوز به این واقعیت توجه نشده است که اگرچه تا برهه‌هایی از تاریخ می‌توانستیم با ایجاد محدودیت‌ها و بگیر و ببند مصونیت فرهنگی ایجاد کنیم، اما امروز دیگر نمی‌شود این رویکرد را ادامه داد؛ چه بخواهیم و چه نخواهیم، امکان ندارد! ماهواره را منع کردیم، اما امروز هست! بعد گفتیم تماس‌های تصویری نباشد؛ اما آن هم آمد! تلگرام را فیلتر کردیم؛ آن هم هست! یعنی واقعیت این است که امکان محدود کردن نیست. من بعضی وقت‌ها از ممیزی‌هایی که در کتاب‌ها صورت می‌گیرد، خنده‌ام می‌گیرد. برای یک کتاب ۵۰۰ نسخه‌ای چه بگیر و ببندهایی داریم، اما بعدا نسخه پی دی اف بدون سانسور آن ۶۰ تا ۷۰ هزار بار خوانده می‌شود! باید به نوع دیگری از مدیریت تن داد و مصونیت را این بار نباید از زاویه محدودیت رفت و به نوع دیگری باید وارد این فضا شد. آن وقت او خودش را تحمیل می‌کند و ما همیشه از عقب سر می‌دویم.

حسین انصاری‌راد در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

مردم احمدی‌نژاد را عامل شکست مدیریت کشور می‌دانند

اصلاح‌طلبان بدون هزینه نمی‌توانند به اهداف خود برسند
اصلاح‌طلبان در شرایطی وارد انتخابات شوند که امکان اصلاح باشد
عقب‌نشینی اصلاح‌طلبان در منتهی‌الیه خود قرار دارد
اصلاح‌طلبان باید روی مطالبات مردم پافشاری کنند
در مقطع تاریخی جدا از گذشته قرار گرفته‌ایم
اصلاح‌طلبان به ترکیب «جهانگیری-ظریف» در انتخابات فکر کنند
اصلاح‌طلبان اشتباه انتخابات مجلس هفتم را تکرار نکنند
باید به دنبال برگزاری یک انتخابات رقابتی باشیم
روحانی شعارهای خود را رها کرد

عکس: آرمان‌ملی / فاطمه فتاحی

آرمان ملی-احسان انصاری: حجت‌الاسلام حسین انصاری‌راد از جمله نمایندگان جریان اصلاحات در مجلس ششم است؛ مجلسی که به تعبیر بسیاری از کارشناسان یکی از بهترین مجلس‌های جمهوری اسلامی بوده است. با این وجود حسین انصاری‌راد ریشه یکی از مشکلات مهم اصلاح‌طلبان را در دوران پس از مجلس ششم، تن دادن به انتخاباتی می‌داند که در آن اغلب چهره‌های اصلاح‌طلب رد صلاحیت شدند. ایشان معتقد است اگر اصلاح‌طلبان در آن انتخابات به صورت مسالمت‌آمیز و قانونی مقاومت می‌کردند امروز رد صلاحیت‌ها به یک قاعده مرسوم و مهم‌ترین دغدغه اصلاح‌طلبان تبدیل نمی‌شد. از سوی دیگر ایشان معتقد است جریان اصلاحات در وضعیتی قرار ندارد که به مردم وعده بدهد و به آن عمل نکند. جریان اصلاحات در شرایط تاریخی‌ای قرار دارد که باید روی مطالبات مردم صراحت داشته باشد و در غیر این صورت به نتیجه نخواهد رسید. رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس ششم همچنین معتقد است: «مردم دلیل اصلی شکست مدیریت کشور و وضعیت موجود را اصولگرایان می‌دانند، به همین دلیل نیز مردم اعتقاد و باور خود را نسبت به اصولگرایان از دست داده‌اند. اینکه در بین اصولگرایان اختلاف وجود دارد یا خیر در اولویت بعدی قرار دارد. مساله مهم برای مردم این است که اصولگرایان با عملکرد خود کشور را به این نقطه رسانده‌اند. مهمترین اقدام اصولگرایان در زمانی که در قدرت بودند این بود که اصلاح‌طلبان را کنار گذاشتند و اجازه ندادند کشور به سمت اصلاح حرکت کند». در ادامه ماحصل گفت‌وگوی «آرمان ملی» را با حجت‌الاسلام حسین انصاری‌راد می‌خوانید.

با حضور برخی چهره‌های موثر جریان اصلاحات در نهاد اجماع‌ساز ترکیب این نهاد نسبت به شورای عالی سیاستگذاری تغییر کرده است. آیا این تغییرات را در نهایت به سود جریان اصلاحات می‌دانید؟

مهمترین مسأله‌ای که در شرایط کنونی برای جریان اصلاحات حائز اهمیت است اجماع، هماهنگی و وحدت رویه است. تنها در چنین شرایطی است که اصلاح‌طلبان به یک کاندیدای واحد می‌رسند و می‌توانند در انتخابات تأثیرگذار باشند. با این وجود آنچه در انتخابات آینده ریاست‌جمهوری دارای اهمیت است اصل انتخابات و نحوه برگزاری آن است که به عملکرد شورای نگهبان بستگی دارد. هنوز مشخص نیست شورای نگهبان با چه رویکردی به انتخابات ریاست‌جمهوری نگاه می‌کند. آیا این نهاد نظارتی قرار است مانند انتخابات گذشته در زمینه تأیید صلاحیت‌ها عمل کند یا اینکه شرایط تغییر کرده و فضای انتخابات بازتر از گذشته خواهد بود. بنده معتقدم ما باید پا را از این هم فراتر بگذاریم و به دنبال برگزاری یک انتخابات با معیارها و استانداردهای منطبق با آزادی باشیم. باید این واقعیت را پذیرفت که در شرایط کنونی وضعیت جامعه به شکلی نیست که بتوان مانند انتخابات مجلس یازدهم عمل کرد و اغلب اصلاح‌طلبان را ردصلاحیت کرد. در انتخابات گذشته مردم به امید اصلاح‌طلبان در انتخابات شرکت می‌کردند تا اصلاحات در کشور اتفاق بیفتد. این اتفاق در دو انتخابات ریاست‌جمهوری گذشته و رأی به آقای روحانی رخ داد. در این دو انتخابات مردم با آرای معنادار و زیاد خود به آقای روحانی نشان دادند که به دنبال مدیریت عقلایی کشور هستند و از افراط و تفریط و تندروی خسته شده‌اند. البته این رأی مسئولیت‌آور بود و وظیفه سنگینی را روی دوش دولت آقای روحانی انداخت. با این وجود عملکرد دولت و شرایط کشور به شکلی پیش رفت که امروز باید با این واقعیت مواجه شویم که مردم نسبت به نتیجه انتخابات خوش‌بین نیستند و احساس می‌کنند هر کسی پیروز انتخابات لقب بگیرد در وضعیت زندگی آنها تغییری ایجاد نخواهد کرد. امروز در مقطع تاریخی جدا از گذشته قرار گرفته‌ایم. نگاه امروز مردم نسبت به انتخابات و اصلاح‌طلبان با گذشته متفاوت شده است. واقعیت این است که امید مردم نسبت به نتیجه انتخابات و اصلاح‌طلبان یا کمرنگ شده یا از بین رفته است.

اصلاح‌طلبان به چه شکلی عمل کرده اند که امید مردم نسبت به آنها کمرنگ شده است؟ ناامیدی موجود در جامعه به چه میزان محصول عملکرد اصلاح‌طلبان است؟

مردم باید نتیجه حضور در انتخابات را در زندگی خود مشاهده کنند. سال ۷۶ که رئیس دولت اصلاحات با حمایت و امیدواری مردم در انتخابات به پیروزی رسیدند چهره ایران در عرصه منطقه و جهان تغییر کرد. این تغییر در درون کشور نیز مشهود بود و ما با رویکردهای جدیدی در مدیریت کشور مواجه شدیم. در این مقطع زمانی تحصیلکردگان و روشنفکران جامعه تلاش و تکاپوی زیادی برای تغییر فرهنگ سیاسی و مدنی کشور انجام دادند و به نتایج خوبی نیز دست پیدا کردند. با این وجود رئیس دولت اصلاحات در پایان دوران ریاست‌جمهوری به صراحت عنوان کرد که رئیس‌جمهور در ایران از اختیارات کافی برخوردار نیست. پس از اتفاقات مرتبط با ردصلاحیت نمایندگان مجلس ششم و در آستانه انتخابات مجلس هفتم بنده از جمله کسانی بودم که در سخنرانی خود عنوان کردم نباید نتیجه انتخابات تحت‌تأثیر نظارت خاص قرار بگیرد. خطاب بنده نیز نسبت به رئیس دولت اصلاحات به عنوان رئیس‌جمهور وقت بود که نباید انتخابات غیررقابتی را به دلیل قسمی که خورده بودند، برگزار کنند. با این وجود این انتخابات برگزار شد و پس از آن بود که تنگ‌نظری‌ها نسبت به ردصلاحیت نخبگان کشور آغاز شد و در انتخابات بعدی نیز این رویه ادامه داشت. بنده معتقدم تن دادن به چنین انتخاباتی یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات رئیس دولت اصلاحات در دوران ریاست‌جمهوری بود.

چرا این وضعیت در انتخابات بعدی هم تکرار شد؟ آیا شرایط برای بهبود و بازسازی این وضعیت وجود نداشت؟

پس از دولت اصلاحات آقای احمدی‌نژاد به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد که رویکرد دیگری در مدیریت کشور داشت و از مسیر دیگری حرکت کرد. احمدی‌نژاد به جای اینکه گامی به جلو بردارد با سوء مدیریت بیشتر کشور را به سمت آشفتگی و بی‌برنامه‌گی کشاند. مهمترین اقدامات مخرب ایشان نیز تعطیل کردن سازمان برنامه و بودجه بود. احمدی‌نژاد کشور را با رشد شش درصد اقتصادی از رئیس دولت اصلاحات تحویل گرفت و با رشد منفی شش درصد به آقای روحانی تحویل داد. به همین دلیل بنده دوران ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد را از جنبه سیاسی، اقتصادی و اخلاقی یک فاجعه برای کشور می‌دانم و معتقدم بسیاری از نابسامانی‌هایی که امروز جامعه با آن مواجه است ریشه در تفکرات و عملکرد احمدی‌نژاد دارد. دوران احمدی‌نژاد یک دوران فترت در مدیریت کشور بود که کشور از جنبه‌های مختلف با آسیب مواجه شد. پس از ایشان آقای روحانی با حمایت اصلاح‌طلبان به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد. این در حالی بود که ایشان در دوران مبارزات انتخاباتی شعارهای خوبی داد و اگر به شعارهای خود عمل می‌کرد ما در بسیاری از جنبه‌ها وضعیت متفاوت‌تری نسبت به امروز داشتیم. این در حالی است که در عمل چنین اتفاقی رخ نداد و آقای روحانی شعارهای خود را رها کرد. به هر حال موانع مهمی در مسیر تحقق این شعارها وجود داشت. در چنین شرایطی ایشان باید این موانع را برای مردم تشریح می‌کرد و با مردم با صداقت سخن می‌گفت. به همین دلیل در شرایط کنونی کشور با یک وضعیت بسیار سخت مواجه شده است.

در چنین شرایط سختی چگونه می‌توان شرایط را تغییر داد؟ آیا زمینه‌های لازم برای تغییر در کشور وجود دارد؟

وضعیت سخت کنونی از یک طرف به دلیل ناامیدی مردم از انتخابات و اصلاح‌طلبان بوده و از سوی دیگر به خاطر بن‌بست به وجود آمده اقتصادی است، که ناشی از تحریم‌های بین‌المللی و سوءمدیریت داخلی است. این در حالی است که کشور در سال‌های اخیر با فساد گسترده مالی و اداری مواجه شده است. پرونده‌های فساد بزرگی مانند اکبر طبری یا عیسی شریفی، قائم مقام قالیباف در شهرداری تهران نشان می‌دهد که فساد در سطح بالای مدیریت کشور وجود دارد. از سوی دیگر بیماری کرونا و تحریم‌های بین‌المللی نیز امید مردم را کاهش داده و شرایط زندگی را برای مردم سخت‌تر کرده است. بدون‌تردید در چنین شرایطی کشور نیاز به اصلاح سیستماتیک و اساسی در زمینه‌های مختلف دارد. هرچند شرایط آن تا حدود زیادی از بین رفته است. امروز یکی از اصلی‌ترین مطالبه مردم، اصلاح ساختارهای تصمیم‌گیری کشور و از بین بردن زمینه‌های فساد در کشور است. فساد در همه کشورهای جهان وجود دارد. حتی در کشورهای دموکراتیک نیز فساد وجود دارد. با این وجود این فساد دارای اندازه و محدوده خاصی است. این در حالی است که میزان فساد اقتصادی که در سال‌های اخیر در کشور به وجود آمده در کمتر دوره‌ای سابقه داشته است. به همین دلیل هیچ روزنه امیدی به جز اینکه حاکمیت سیاسی در انتخابات آینده رویکردی همراه‌تر با مردم داشته باشد، وجود ندارد. نکته دیگر اینکه اگر اصلاح‌طلبان قصد دارند در انتخابات آینده تأثیرگذار باشند باید روی مطالبات مردم پافشاری کنند و با صراحت آنها را با حاکمیت در میان بگذارند. بدون‌تردید این مسأله رمز موفقیت اصلاح‌طلبان در انتخابات آینده خواهد بود.

اصلاح‌طلبان می‌توانند به ترکیب آقایان ظریف و جهانگیری به عنوان رئیس‌جمهور و معاون اول فکر کنند. این اتفاق در شرایطی می‌تواند رخ بدهد که فضا برای یک رقابت آزاد در انتخابات آینده فراهم باشد

صراحت در بیان مطالبات مردم نیازمند پرداخت برخی هزینه‌هاست. آیا اصلاح‌طلبان در شرایطی قرار دارند که بتوانند هزینه پرداخت کنند؟ آیا چنین اراده‌ای را در بین اصلاح‌طلبان مشاهده می‌کنید؟

اصلاح‌طلبان باید به مردم تعهد بدهند که در صورت پیروزی در انتخابات مطالبات آنها به صورت جدی در دستور کار قرار خواهد گرفت و از مطالبات مردم طفره نخواهند رفت. اصلاح‌طلبان باید برای تحقق مطالبات مردم هزینه پرداخت کنند. این اتفاق باید در گذشته نیز رخ می‌داد اما به دلایلی رخ نداده است. بدون پرداخت هزینه نمی‌توان به برخی از اهداف دست پیدا کرد. بنده از جمله کسانی بودم که پس در آستانه برگزاری انتخابات مجلس هفتم به دوستان عنوان کردم نباید به انتخابات یک‌طرفه و غیرقانونی تن داد. این وضعیت امروز نیز در حال تکرار شدن است. به همین دلیل اصلاح‌طلبان نباید اشتباه گذشته را تکرار کنند؛ بلکه باید شرایطی را به وجود بیاورند که مردم شاهد یک انتخابات آزاد و رقابتی بین جریان‌های مختلف فکری وسیاسی باشند. تنها در چنین شرایطی است که می‌توان نسبت به حل مشکلات در آینده امیدوار بود. اصلاح‌طلبان تنها باید در شرایطی وارد رقابت‌های انتخاباتی شوند که امکان اصلاح برای آنها وجود داشته باشد. اصلاح‌طلبان باید این سوال را از خود بپرسند که آیا در صورت پیروزی در انتخابات امکان امیدوار کردن مردم و تحقق مطالبات آنها وجود دارد یا خیر. تنها در چنین شرایطی است که می‌توان نسبت به بهبود وضعیت آینده امیدوار بود. جریان‌های سیاسی و به خصوص جریان اصلاحات نسبت به برخی مواضع که از سوی ساختارهای تصمیم‌گیر جامعه عنوان می‌شود عقب‌نشینی کرده‌اند. این در حالی است که این عقب‌نشینی در منتهی‌الیه خود قرار دارد و بیش از این امکان‌پذیر نیست. ملت یک امر نامعلوم و نامشخص نیست. ملت واقعی تنها در یک رقابت آزاد انتخاباتی خود را بروز می‌دهد. ملت در انتخابات آزاد از صندوق آرا بیرون می‌آید. به همین دلیل هر کسی خود را مدافع منافع ملت بداند اما برخلاف این رویکرد رفتار کند ملت واقعی را نشناخته و با کلمه ملت بازی کرده است. تجربه تاریخی در برخی کشورهای جهان نشان داده هر کسی اراده ملت را جدی نگرفته یا به بازی نگرفته است محکوم به فنا بوده است.

اگر مردم از جریان اصلاحات به دلایلی مأیوس و ناامید شده‌اند باید این نکته را نیز متذکر شد که جریان اصولگرایی را به کلی کنار گذاشته‌اند و به این جریان به عنوان یک جریان که بتواند مشکلات کشور را حل کند نگاه نمی‌کنند

در شرایط کنونی نام‌هایی برای اجماع اصلاح‌طلبان مطرح می‌شود که مهمترین آنها جهانگیری و ظریف هستند. به نظر شما در شرایط کنونی بهترین گزینه برای اجماع اصلاح‌طلبان چه کسی خواهد بود؟

بنده با توجه به شناختی که از آقای عارف دارم و با کمال احترامی که برای ایشان قائل هستم معتقدم بهتر است اصلاح‌طلبان روی گزینه جدیدی اجماع نکنند و به دنبال گزینه‌های دیگر باشند. با این وجود نسبت به آقایان جهانگیری و ظریف دیدگاه مثبتی دارم و معتقدم هر کدام از این دو نفر یا ترکیب هر دو می‌تواند گزینه مناسبی برای انتخابات آینده باشند. به هر حال اصلاح‌طلبان می‌توانند به ترکیب آقای ظریف و جهانگیری به عنوان رئیس‌جمهور و معاون اول فکر کنند. این اتفاق در شرایطی می‌تواند رخ بدهد که فضا برای یک رقابت آزاد در انتخابات آینده فراهم باشد.

ارزیابی شما از وضعیت اصولگرایان برای انتخابات ریاست‌جمهوری آینده چیست؟ آیا اصولگرایان می‌توانند با توجه به تعدد کاندیدا در نهایت حضور موفقی در انتخابات داشته باشند؟

واقعیت این است که مردم دلیل اصلی شکست مدیریت کشور و وضعیت موجود را اصولگرایان می‌دانند. به همین دلیل نیز مردم اعتقاد و باور خود را نسبت به اصولگرایان از دست داده‌اند. اینکه در بین اصولگرایان اختلاف وجود دارد یا خیر در اولویت بعدی قرار دارد. مساله مهم برای مردم این است که اصولگرایان با عملکرد خود کشور را به این نقطه رسانده‌اند. مهمترین اقدام اصولگرایان در زمانی که در قدرت بودند این بود که اصلاح‌طلبان را کنار گذاشتند و اجازه ندادند کشور به سمت اصلاح حرکت کند. اصولگرایان واقعیت‌های مدیریت کشور را به خوبی درک نکرده‌اند. در شرایط کنونی کشور با دو چالش مهم مواجه است. نخست چالش‌های مرتبط با سیاست خارجی و دوم امکان‌پذیر بودن برگزاری یک انتخابات آزاد که جریان‌های سیاسی بتوانند به خوبی در آن رقابت کنند. اگر مردم از جریان اصلاحات به دلایلی مأیوس و ناامید شده‌اند باید این نکته را نیز متذکر شد که جریان اصولگرایی را به کلی کنار گذاشته‌اند و به این جریان به عنوان یک جریان که بتواند مشکلات کشور را حل کند نگاه نمی‌کنند. امروز اغلب نخبگان داخل و خارج از کشور روی دو نکته اساسی اتفاق‌نظر دارند. نخست اصلاح مدیریت داخلی است که با انتخابات آزاد تحقق می‌پذیرد و دوم باز کردن راهی برای ارتباط با مجامع بین‌المللی و تعامل سازنده و پویا با جهان است. بنده هیچ راهی جز اصلاح از درون برای نجات کشور نمی‌بینم. این مساله مهمی است که مسئولان جامعه باید به آن توجه کنند وگرنه کشور در آینده با بن‌بست مواجه خواهد شد. راه نجات کشور حضور همه نیروی علاقه‌مند به کشور در عرصه تصمیم‌گیری است. شرایط باید به شکلی باشد که همه گروه‌ها و افرادی که به سرنوشت کشور علاقه‌مند هستند بتوانند در تصمیم‌گیری‌های مهم نقش‌آفرینی کنند. راه نجات این است که همه مردم کشور در اداره کشور مشارکت داشته باشند. در چنین شرایطی می‌توانیم مدعی باشیم که یک دموکراسی واقعی در کشور ایجاد شده است. بدون‌شک هر راهی جز این کشور را به بن‌بست می‌کشاند.

یادداشت

ابهام در محاسبه مبلغ بدهی بدهکاران بانک‌ها

داود علی‌بابایی
پژوهشگر مسائل اجتماعی

چندی قبل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران طبق بخشنامه شماره ۹۹/۳۸۲۵۲۹ مورخ ۹۹/۱۱/۲۹ اعلام کرد که واحدهای تولیدی بدهکار به بانک‌ها تا شهریور ۱۴۰۰ وقت دارند بدهی خود را به مدت ۵ سال با پرداخت ۷/۵ درصد مبلغ بدهی و تنفس ۶ ماهه امهال کنند؛ اما ابهام در نحوه محاسبه بدهی بدهکاران واحدهای تولیدی به بانک‌ها در موارد زیر وجود دارد: ۱- منظور از مبلغ بدهی بدهکاران، باقیمانده وامی است که قبلا دریافت کرده‌اند، مثلا شخص ۱۵۰ میلیون تومان وام در سال ۸۹ از بانکی گرفته و مبلغ ۵۰ میلیون تومان آن را پرداخت کرده و مانده بدهی وام مزبور ۱۰۰ میلیون تومان است. آیا امهال روی ۱۰۰ میلیون تومان صورت می‌گیرد؟ ۲- محاسبه مبلغ بدهی براساس محاسبه بانک است (ذکر شد) که در مورد اول ۱۰۰ میلیون تومان مانده وام بوده است و بانک با مشتری قرارداد ۲۶ درصد و با جریمه ۶ درصد و خسارت تاخیر تادیه بسته است و اکنون که بانک محاسبه می‌کند، مشتری فرضا ۶۰۰ میلیون تومان به بانک بدهکار است. آیا امهال روی ۶۰۰ میلیون تومان منعقد می‌شود؟ ۳- محاسبه مبلغ بدهی براساس مصوبات و بخشنامه‌های بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار انجام می‌گیرد. مثلا در مورد اول مشتری ۱۰۰ میلیون تومان وام معوق دارد و نرخ سود تسهیلات بانک مرکزی در سال ۸۹، ۱۲ درصد بوده و براساس محاسبه با مصوبات بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار بدهی مشتری به بانک حدود ۳۰۰ میلیون تومان می‌شود. آیا بانک باید روی ۳۰۰ میلیون تومان قرارداد امهال را منعقد کند. قابل ذکر اینکه بانک‌ها براساس مورد دوم یعنی نرخ سود تسهیلات در قرارداد و جریمه و خسارات تاخیر تادیه محاسبه به عمل می‌آورند. بنده به عنوان یک شهروند که باید از حقوق شهروندی برخوردار باشد، از ریاست محترم بانک مرکزی خواستار نحوه محاسبه بدهی بدهکار واحد تولیدی در بانک‌ها هستم و تقاضا دارم آن را به بانک‌ها ابلاغ کرده و بانک‌ها را ملزم به انجام آن کنند.

دیدگاه

هفت ویژگی انسان توسعه‌نیافته

رضا داوری اردکانی
استاد فلسفه

در زمان توسعه‌نیافتگی، انسان توسعه‌نیافته دارای ویژگی‌هایی‌ست که به هفت مورد آن اشاره می‌شود: ۱- انسان توسعه‌نیافته حتی اگر بسیار باهوش و درس‌خوانده باشد معمولا از خردانتقادی بهره کافی ندارد، یا به کلی از آن بی‌بهره است و چون جهان توسعه‌یافته با این خرد پدید آمده و جز با آن ساخته نمی‌شود، تا مردمی واجد آن نباشند به توسعه دست نمی‌یابند. ۲- آدم توسعه‌نیافته دلبسته سیاست و محو ایدئولوژی‌هاست. اینکه او به کدام سیاست و ایدئولوژی قائل باشد اهمیت ندارد زیرا پیرو و هواخواه هر سیاستی که باشد پیروی و هواخواهی‌اش بنیاد و اساسی ندارد. به این جهت ممکن است در حرف و گفت از آزادی ستایش کند و در اخلاق مستبد و حتی خشن و تندخو باشد. ۳- انسان توسعه‌نیافته ممکن است صاحب هوش درخشان باشد، خوب درس بخواند و دانشمند شود اما در جهان توسعه‌نیافته چنان که انتظار دارد، کاری از پیش نمی‌برد، زیرا در این جهان حساب و کتاب‌ها پریشان است. آدم توسعه‌نیافته اهل تجربه و عبرت‌آموزی نیست. او نسبت‌ها را نمی‌داند و وقت و اندازه را نمی‌شناسد و کاری که در وقت و جایگاه خود و به اندازه صورت نگیرد، کار نیست. ۴- اهل عالم توسعه‌نیافته به جای اینکه در جست‌وجوی راه درست و رفتار شایسته باشند، رفتار و کردار عادی خود را برتر از هر رفتاری می‌دانند و با حدت و شدت آن را توجیه می‌کنند. ۵- آدم توسعه‌نیافته نه متجدد است و نه به هیچ یک از عوالم قدیم تعلق دارد؛ او مسأله‌ای هم ندارد که آن را حل کند یا اگر مسائلی دارد بیشتر آنها در جای دیگر و برای دیگران مطرح شده است و او این مسائل را مسائل خود و جهان خود می‌داند. ۶- آدم توسعه‌نیافته چون از زمان و تاریخ بیرون افتاده دایره امکان‌ها و انتخاب‌هایش بسیار محدود است. او اگر امکانات را نمی‌شناسد به این جهت است که افقی در پیش روی او نیست که در آن امکانات پدیدار باشد. ۷- آدم توسعه‌نیافته مظلوم تاریخ است. می‌گویند و درست می‌گویند که قدرت‌های استعمارگر به او ظلم کرده‌اند ولی درست‌تر این است که مظلومیت جهان توسعه‌نیافته چیزی بیش از ظلم استعمار است. آیا مردم جهان توسعه‌نیافته نفرین‌شدگان زمینند و راه بیرون شدن از زندان توسعه‌نیافتگی ندارند؟

دریچه

«آرمان ملی» از اهمیت فعالیت جریان اصلاحات روایت می‌کند

خط تمایز اصلاح‌طلبی از براندازی

ادامه از صفحه ۳

امروز باید از تفرقه بپرهیزیم، اصلاح‌طلبی را پاس بداریم، استقلال اصلاح‌طلبی را از غیراصلاح‌طلبی نمایان سازیم و اجازه تصمیم‌گیری برای اصلاح‌طلبی را در خارج اصلاح‌طلبی ندهیم. بر ما است که در تعامل و گفت‌وگویی واقع‌بینانه با ملت موانع درونی را بازشناسیم، خود را در مقابل فرصت‌طلبی‌ها بیمه کنیم و از خیال‌پردازی‌هایی که زمینه را برای برکشیدن توسعه‌ستیزان ایران ویران‌کن فراهم می‌کند، عبور کنیم.» لازم به ذکر است او در پایان یادآور شد ارزیابی عملکرد جریان اصلاحات در دهه ۹۰ و پرهیز از مسائل حاشیه‌ای و همچنین برنامه‌ریزی برای حضور و مشارکت حداکثر مردم در انتخابات از موضوعات ضروری است. در ابتدای دومین کنگره انجمن روزنامه‌نگاران زن ایران، که به صورت مجازی برگزار شد، ژاله فرامرزیان، دبیر کل این انجمن توضیحاتی درباره نحوه عملکرد انجمن ارائه داد.